

با تشدید مبارزه نوطئه شاه و امپریالیسم را درهم شکنیم!

شماره دوست و هفتم مکرر

مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

اخبار رسیده از مناطق تفخیز ایران حاکمیت که در سیصد و هفتمین روز ادامه اعتصاب تاریخی و یکپارچه کارگران قهرمان نفت، رژیم ضدملی و ضددموکراتیک شاه به دستور مستقیم امپریالیسم نفتخوار یورش دهنده خود را علیه کارگران اعتصابی و خانواده‌های آنان تشدید کرده است.

حکومت نظامی مخلوق و واشتگن که از روز نخست لبه تیز حملات خود را متوجه سرکوب بی‌امان اعتصاب کارگران نفت کرده و با بکار بستن پلیس‌ترین

درد آتشین به کارگران مبارز و قهرمان صنایع نفت (اظهاریه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

که به استقلال و آزادی و سر بلندی میهن خود علاقمندند. خواست کارگران و کارکنان نفت سراسر ایران که در نخستین روز اعلام اعتصاب ملی بیانیتهای انتشار یافت و علاوه بر مطالبات رفاهی، مسائل بس مهم و حیاتی چون طرد استبداد، احیاء قانون ملی شدن صنایع نفت و استقرار دولت ملی و آزادیخواه را مطرح میساخت، بیانگر این واقعیت است.

شوره های ترور پلیسی و نظامی دهها و صدها کارگر را کشته و مجروح کرده بود. اینک با روانه ساختن رهبران اعتصاب به سیاهچالهای رژیم و بیرون ریختن زنان و کودکان کارگران اعتصابی از خانه‌های مسکونی و ادامه کشتار، یکبار دیگر ماهیت جنایتکارانه رژیم را که امپریالیسم جهانی بر مردم ستمدیده ایران تحمیل کرده است، آشکار ساخت.

آنچه کارگران زخم‌دیده نفت در این اعتصاب دیرپا مطرح ساخته‌اند، خواست همه ایرانیانی است

پیروزی بر دشمن خدعه گر در گرو اتحاد نیروها و وحدت عمل آنهاست

احیاء قانون ملی شدن صنایع نفت، اخراج دهها هزار مستشار و کارشناس کشوری و نظامی امریکا و انگلیس و غیره از کشور، دهها و دهها خواست و شعار مشخص دیگر که ملی مبارزه اعتصابی کارگران، دانشجویان، کارمندان و دیگر قشرهای اجتماعی طرح گردید، باز تاب شرایط عینی اجتماعی و اقتصادی و سیاسی کشور ما و نشانگر آنست که جنبش کونونی دارای خصالت عیناً ملی و ضد امپریالیستی و آزادیخواهانه است، و مردم ایران بطور عمده، خواهان یک دگرگونی بنیادی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی هستند که حل بحران سیاسی و اجتماعی کونونی در گرو آنست.

از ویژگیهای جنبش خلق در ماههای اخیر فرارویی سریع اعتصابی رفاهی به اعتصابهای سیاسی و همبستگی پسیاب کارگران با دانشجویان و روشنفکران و ضمانت و پشتیبانی مؤثر همه آنها از یکدیگر در جریان اعتصابهای چند میابونی است که سطح عالی آگاهی سیاسی آنان را نشان میدهد.

پرواضح است که این روند نمیتوانست موجبات نگرانی ارتجاع و امپریالیسم را فراهم نیابد. در اعلامیه ۱۶ آبان کمیته مرکزی حزب توده ایران بفرستی گفته میشود: «رژیم ضد ملی و استبدادی محمد رضا شاه که نه با مانورهای خدعه گرانه و نه با کشتارهای دهنده خود نتوانست برجیش پرتوان مردم ایران در راه استقلال ملی، آزادی و پیشرفت اجتماعی غالب آید، دوست هنگامیکه جنبش نیرومند مردم میرفت که رژیم سلطنت استبدادی وابسته به امپریالیسم، این لایفسادرا در هم شکند، نقاب تزویر بازی بااصطلاح رضایی باز سیاسی را کنار زد و به همبستگی واشتگن یاری کار آوردن یک دولت نظامی، بار دیگر سرشت خونخوار و ضدملی و بیار و عددهای قریب گرانه خود را عیان ساخت».

اکنون دیگر همه میدانند که تشنه پلید روی دنباله در صفحه ۲.

هزاران زندانی سیاسی، صدها کشته و زخمی ساختمان به آتش کشیده شده، چنین است ده روزه دولت نظامی مخلوق واشتگن که یعنی برای حفظ تخت و تاج و اندام امپریالیسم، خسار و تفخیز غاوری نزدیک میکند. نه تفنگهای مند انتشار بافتنگهای گاز را، کههای خود را و بمبهای اشک آوری که پتاکون برای پر کردن زرادخانه ترور و اختناق شاه ان میکند، نه شلیک مسلسلهای خودکار و غرش تانکهای اسکورپین، انگلیس و نه بمب بی زالی که هلیکوپترهای «بل» امریکایی مساکن زحمتکشان در خرمشهر فرو میزند، است در اراده مبارزین راه آزادی و استقلال نزلولی پلید آورد.

جنبش توده‌های مردم که با راه پیمائی عظیم و بیلونها نفر روز عید فطر در سراسر کشور و با شکوهمند یک میلیون نفر روز ۱۶ شهریور، دامنه عظیم خود را نشان داد، و آتش و منطقی در مقابل ربع قرن حکومت استبداد سیمت ترور و اختناق پلیسی بود که امپریالیسم سیا بر مردم ستمدیده ما تحمیل کرد و بدینسان بحران سیاسی و اجتماعی کونونی را فراهم آورد.

ولی جنبش خلق فقط بشکل تظاهرات خیابانی نگردید و با اعتصابهای عیدیه کارگران و بزرگی از دانشجویان، روشنفکران و کارمندان ترقی شکی نوین و مضمونی رنگین بخود و به هفته همبستگی ملی، منجر شد. ای مشخص آزادی زندانیان سیاسی، آزادی مهاجرین سیاسی و تبعید شدگان، آزادی لوزاب و سازمانها، آزادی فعالیت سندیکاهای، اتحادیه‌های دهقانی و دیگر اتحادیه‌های احیاء بی قید و شرط استقلال دانشگاهها، حکومت نظامی، برجیدن بساط مطلقه سلطنتی

ما امید به مردم را هرگز از دست ندادیم

مبارزات جانبازانه و قهرمانانه مردم علیه رژیم ضد ملی و استبدادی شاه، سرانجام منجر به آزادی بخشی از زندانیان سیاسی، این پهلوانان یکبار دلیرانه خلق شد.

صفر قهرمانی فرزند قهرمان خلق آذربایجان - کهن ترین زندانی سیاسی جهان - ۳۰ سال از زندگی خود را در دشوارترین شرایط با دلوری اعجاب انگیز در زندانهای شاه گذرانده است. او پس از رهائی از زندان با استقبال گرم و پرشکوه رژیمت گان ضد رژیم روبرو شد و در مصاحبه ای با خبرنگار روزنامه کیهان، بار دیگر بر ایمان خود به نیروی مردم تأکید نموده و آزادی خود را مدیون یکبار دلیرانه آنان دانسته است.



حزب توده ایران که از سالها پیش آزادی بدون قید و شرط تمام زندانیان سیاسی را مطرح ساخته و با سرسختی در این راه پیگیر نموده است اکنون نیز مردم را به مبارزه بی امان برای رهائی رادرسانی که هنوز اسیر زندان های شاه اند دعوت میکند.

در اینجا متن مصاحبه فرزند قهرمان خلق، صفر قهرمانی را با خبرنگار کیهان عیناً نقل میکنیم.

صفر قهرمانی، قدیمی ترین زندانی سیاسی جهان دیشب پس از ۳۰ سال از زندان قصر آزاد شد. صفرخان امروز در مصاحبه‌ای با خبرنگار کیهان در خانه دخترش گفت: بعد از سی سال این آزادی غیر متوقبه است. من مدیون مردم هستم. اگر مردم و مبارزات برجشان نبود تا آخر عمر باید در زندان بسر میبرد. من این آزادی را که به کوشش مردم بدست آمده گرامی میدارم.

چرا که برای بدست آوردن آن چه خونها که ریخته شده و چه سینه‌ها که به گلوله سپرده شده است. دنباله در صفحه ۲.

مبارزه مردم تا پیروزی کامل خواستهای جنبش ادامه خواهد یافت

مؤسسات و وزارتخانه‌ها و نیز در سراسر خیابانها و میادین به پاس ایستادگی، تا هر گونه تجمع مردم را درهم شکنند. با این وجود روزی نیست که در پایتخت و سراسر شهرهای ایران، زیر بمب گازهایی اشک آور و رگبار گلوله‌های ارتش، تظاهرات اعتراضی برپا نشود و چندین شهید و مجروح برج نکندارد. ترور و اختناق شدید تر از همیشه حاکم است. دنباله در صفحه ۲.

شاه و امپریالیسم بمنظور سرکوب جنبش جانبازانه و قهرمانانه مردم در راه آزادی و استقلال ملی، سرانجام یک دولت نظامی بر سر کار آوردند تا بیلیری افسران ارشد مورد اعتماد واشتگن، بنای سلطنت استبدادی را که در حال فرو پاشیدگی است، شاید برپا نگاه دارند. تانکهای توپدار نه تنها در حول و خوش کاخ سلطنتی مأمور حفاظت جان شاه از خشم مردمند، بلکه گرداگرد دانشگاهها، مدارس،

ما اقدامات تبهکارانه رژیم دژخیم شاه را محکوم میکنیم (اظهاریه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

این هجوم و صدها عمل قانون شکنانه دیگر که در ایام اخیر بر اطراف و اکناف ایران از جانب رژیم تبهکار میشود، بار دیگر عیار واقعی «تویه‌ها» و «دمهدانی» را که شاه در پیام کذابی خود بر زبان رانده بود نمایان میسازد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران علیه بازداشت آقایان کریم سنجایی و داریوش فروهر شدیداً اعتراض میکند و همه وسائلی را که در اختیار دارد برای جلب همبستگی بین المللی و تشکیل کارزار اعتراضی برد. سنجایی و فروهر، به آذین و همه زندانیان سیاسی ایران باید بیدارنگ آزاد شوند! این خواست همگانی مردم ایران است که در تظاهرات و اعتصابات عظیم اخیر عمل تبهکارانه رژیم دژخیم را محکوم کرده‌اند.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۲۳ آبان ۱۳۵۷

رژیم ضد ملی و استبدادی شاه که با پشتیبانی مستقیم امپریالیسم تمام نیروی خود را برای جنبش رهائی بخش مردم ایران بکار انداخته، داشت آفتاب محمود اعتمادزاده (به آذین)، تنکابنی و مهیند نویسندگان نامی ایران و عدده روزنامه نگاران و خبرنگاران رسانه‌های گروهی، نفر از مبارزان ضد رژیم، با بازداشت آقایان کریم سنجایی و داریوش فروهر رهبران جبهه «مرکتب جنایت تازمائی شده است».

این اقدام رژیم تبهکار و ادامه همان خودسرها گریزهایی است که محمد رضا شاه پس از ۲۸ مرداد بنیاد کشور داری خود را بر آن بران را به بحران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شانند. تعرض به جبهه ملی ایران بمغایه یکی هلی ایوزیسیون و رهبران آن جزئی از تعرض رژیم ضد ملی و مطرود و مغرور شاه به همه ملی و دموکراتیک و همه مردم ایرانست.

بیروزی بر دشمن خنده گر در گرو ...

کار آمدن دولت نظامی باشکوه امیران ارتشی دستپدرورده و سرسپرده پنتاگون ... از مندها پیش در واشنگتن توسط سیا و با همکاری نزدیک جاسوس سرشناس سیا اردشیر زاهدی آماده شده بود و آتش سوزی عظیم در تهران و برخی دیگر از شهرهای ایران فقط گوشه‌ای از این نقشه خونی بود که بموقع اجراء درآمد.

تصا دفی نیست که بلافاصله پس از روی کار آمدن دولت نظامی کاخ سفید حمایت خود را از آن اعلام کرد. روز ۱۴ نوامبر رئیس جمهور آمریکا در یک گفتگوی رادیو - تلویزیونی مراتب پشتیبانی خود را از شاه جلاد با جملاتی چون شاه دوست و متحد وفادار ایالات متحده است و واشنگتن از شاه بی‌عنوان یک نیروی ثبات بخش در این منطقه پشتیبانی میکند ابراز داشت.

این عمل رئیس جمهور آمریکا صرف نظر از آنکه دخالت بی‌شرمانه در امور داخلی کشور ماست عیار دعاری دروغین کارتر را که اینهمه سنگ دفاع از حقوق بشر به سینه میزد نشان میدهد. زمانداران آمریکا با این عمل خود باز دیگر ثابت کردند که هرچا منابع آمریكادانه امپریالیسم مطرح باشد «صواب اخلاقی و معنوی» را به هیچ میانگردد و «حقوق بشر» را لگدمال میکنند. نباید از نظر دور داشت که دشمن هنوز نقشه‌های دیگری برای مقابله با مردم ایران تهیه دیده است.

۱۳ نوامبر چورتن دستیار رئیس جمهور آمریکا در مسائل سیاسی در یک مصاحبه تلویزیونی پس از تذکر اینکه واشنگتن رشد حوادث را در ایران بدقت تعقیب میکند افزود که ایالات متحده «تسه‌هایی برای شرایط مختلف رشد حوادث» در ایران تهیه دیده است.

تجربه دیگر کشورهای جهان در آسیا و افریقا و امریکای لاتین می‌آموزد که امپریالیسم آمریکا برای حفظ منافع غارتگرانه خود از هیچ سببیت و سفاکی و جنایتی روی گردان نیست. روزنامه فرانسوی «فیکار» در شماره ۱۳ نوامبر خود نوشت که ایالات متحده در قبایل تلالهای ایوژیون ایران برای سرنگونی رژیم کنونی حساسیت بی‌انگیزی از خود نشان میدهد. این روزنامه خاطر نشان می‌سازد که «جوانب نظامی مسئله» پیش از هر چیزی فکر ایالات متحده را بخود مشغول می‌دارد» زیرا «ارتش نیرومند ایران که توسط ایالات متحده با اعلام‌سلاح شده عامل عمده نفوذ آمریکا در این منطقه است».

نیروهای ملی و مترقی ایران که در راه سرنگونی سلطنت استبدادی محمد رضا شاه پیغام‌ها اند نمی‌توانند و نباید نقشه‌های شیطانی امپریالیسم را از نظر دور برند. دشمنان ایران - از جناب داخلی و امپریالیسم - در صف واحدی برای مقابله با جنبش مردم ایران قرار دارند. بیروزی بر این دشمنان فقط با اتحاد و وحدت همه نیروهای ایوژیون امکان پذیر است. راه دیگری وجود ندارد. با در نظر گرفتن این حقیقت انکار ناپذیر است که حزب توده ایران برای اتحاد نیروهای ضد رژیم بقصد ایجاد رهبری واحد اهمیت عظیم قائل است و در راه تحقق آن مبارزه میکند. حزب ما ایران را سخ دارد که در صورت تحقق این خواست توده‌های زحمتکش که خود در پائین وحدت عمل بی نظیری بوجود آورده اند «می‌توان نقشه‌های امپریالیسم و ارتجاع را عقیم گذارد و جنبش فرقه به خون خلق ما را که اینهمه قربانی داده به بیروزی رساند».

در اعلامیه ۱۶ آبان کمیته مرکزی ما گفته میشود: «حزب توده ایران بنا به معنویت خطیری که در این لحظات حساس تخریبی در برابر خلق‌های میهن ما دارد وظیفه مقدس خود می‌داند» باز دیگر نظر همه احزاب و سازمانها و گروهها و شخصیت‌های ملی و ضد استبداد را به ضرورت ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری جلب کند و آنان را به اتحاد و وحدت عمل برای درهم شکستن توطئه خائنانه رژیم دعوت کند ...

درد آتشین به کارگران مبارز و قهرمان صنایع نفت

حزب توده ایران به کارگران قهرمان نفت ... این مبارزان پیششاز پرلرانی صنعتی ایران که با نبرد سرسخت و متشکل و به بهای جان خود رژیم را متزلزل ساختند و نشان دادند که طبقه کارگر بزرگترین و پی‌گیرترین نیروهای اجتماعی مدافع راه آزادی، استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی است، درود می‌فرستد و پایداری و تسلیم ناپذیری آنان را مستأید. کارگران شهید صنایع نفت شهدای همه مردم ایران و جنبش آزادی و استقلال طلبانه کشور ما هستند. مردم ایران خاطره این شهدا و همه رزمندگان صنایع نفت را گرامی میدارند.

حزب توده ایران از همه مردم و بویژه کارگران: از فولاد سازان اصفهان گرفته تا ساجان شاهی از فلزکاران تبریز گرفته تا قالی بافان کرمان - از همه کارگران دعوت میکند با ابراز همبستگی همه جانبه به یاری کارگران نفت بشتابند.

وظیفه میهنی همه نیروهای آزادیخواه اهم از دانشجویان و روشنفکران، کارمندان و پیشه‌وران روحانیون و رجال ملی است که علیه ادامه سرکوب سبانه و خونین انحصار کارگران نفت بدست رژیم مغفور سلطنت استبدادی محمد رضا شاه بی‌اختیارند و تمام نیروی خود را در حمایت از انحصار آنان که اهمیت فوق العاده‌ای در سرنوشت جنبش مردم ایران دارد تجهیز نمایند.

حزب توده ایران بنام همه کارگران و زحمتکشان کشور این تپه‌کاری پلید را به شدت محکوم میکند و از همه بشردوستان و آزادیخواهان می‌خواهد که در این زمینه باری هم‌آوا شوند.

همینات

در لحظه کنونی از هر امکانی که در اختیار دارید و از هر طریقی که می‌توانید و از جمله از طریق کمیته‌های یاری و همبستگی به کمک مادی سریع به کارگران قهرمان نفت و به خانواده‌های آنان که در زخم‌های رژیم آنها را از مساکن خود بیرون رانده‌اند، ادامه دهید.

درد آتشین به کارگران مبارز و قهرمان نفت ایران!

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳ آبان ۱۳۵۷

میتینگ همبستگی زحمتکشا فرانسه با زحمتکشان ایران

روز ۱۴ نوامبر بابتکار کفدراسیون عمومی کار فرانسه (ث - ژ - ت) اتحاد استان (سن علیا) مرکز شهرستان شام (ژن ویلیه) میتینگ بزرگی برای همبستگی با مردم و زحمتکشان ایران در باشک کارگران بریاست رفیق (ژنوس) دی کفدراسیون عمومی کار فرانسه و دبیرک پیشین کفدراسیون سندیکالی جهانی تشکیل گردید. فلک‌شیت نماینده‌ای از طرف کمیسیون روابط سندیکالی ایران نیز در این میتینگ شرکت داشت. رفیق ژنوس میتینگ افتتاح کرد. سپس نماینده کمیسیون دربار اوضاع ایران بویژه نقش مؤثر کارگران صنایع نفت و بطور کلی زحمتکشان ایران در مبارزه قهرمانانه مردم علیه رژیم دیکتاتور و امپریالیسم، بتفصیل سخن راند. پس از آن نماینده روزنامه «لای اووری» که برای بررسی وضع باایران رفته بود مشاهدات خود را بیان داشت. در این میتینگ آقای (نوری آلابالا) دبیر جمعیت فرانسوی دوستی فرانسه ایران و تعداد زیادی از رهبران سازمانهای کارگری فرانسه نیز شرکت داشتند. در پایان میتینگ شرکت کنندگان اراده قاطع خود را داشت: پشتیبانی روز افزون کارگران و زحمتکشان فرانسه از مبارزه مردم ایران اعلام کردند و به نماینده کمیسیون روابط سندیکالی ایران اعلامیتان دادند که از نبرد دلیرانه زحمتکشان و مردم ایران با تملق قوا حمایت خواهد کرد.

مبارزه مردم تلویزیونی کامل خواستهای ...

بیش از هزار نفر از مخالفان رژیم بازداشت شده‌اند، باعصابها و بویژه انحصاری کارگری یورشهای خونین برده شده است، سران انحصار در مناطق تفضیض دستگیر شده‌اند، رهبران جبهه ملی در زندان اند و با این وجود شاه در بیام سالوسانه خود بمردم امیدوار می‌دهد که پیام آنها را شنیده است و سوگند یاد میکند که قانون اساسی را پاسداری کند. از شاه خروغ‌گویان دروغی بزرگتر از این نمیتوان انتظار داشت. شاه اعلامیه صادر کرده است که گویا قصد مبارزه با فساد دارد. و گویا این مبارزه جلی است و حتی حاضر است افراد خاندانش را در صورت فساد و دزدی و رشوه خواری تسلیم قانون کند. چه کسی باید باین ریاکری و فریب پلور کند؟ مردمی که ۳۷ سال است گرواه زنده دزدی و تاراجگری و رشوه دهنی و رشوه گیری شاه و خاندان فاسدش بوده‌اند؟ مردمی که نسل بعد نسل شاهد آن بوده‌اند که رضا شاه از فقر سیاه به بزرگترین سرمایه‌دار و زمیندار بدل شد؟ مردمی که می‌بینند ملی ساله‌های زمانداری محمد رضا شاه ثروت آنروزی خاندان پهلوی به‌ارازان برابر رسیده و ذخیره‌های بانکی شاه و افراد خانواده‌اش در خارج از کشور به جیب‌لرودها بالغ شده است؟ مردمی که چشم دیده‌اند چگونه در آمد نفت سر بیجیب شاه و اطرافیانیش باز کرده و بنا صرف خرید اسلحه برای حفظ سلطنت این خاندان شده است؟ نه! مردم باین دعوی سالوسانه شاه پوز خند می‌زنند. مردم میدانند که شخص شاه منشاء تمام فساد و غارتگریهاست، دفع فساد بنا فاسد ممکن نیست. اگر قرار باشد مبارزه جلی با فساد صورت گیرد، این شخص شاه است که قبل از همه باید تسلیم محکمه شود. مردم میدانند که افراد فاسد و منحطی چون هویداها، نصیری‌ها، روحانی‌ها و جیبی‌ها، داریوش هاپوین‌ها، آزمون‌ها دست چین و دست آموز شاهانها، منویات، شاه را اجراء کرده‌اند و در سایه استبداد شاه به چیلول اموال عمومی و تجاوز بحق مردم دست زده‌اند و باینجهت فریادی که در روزهای ۱۳ تا ۱۷ شهریور از دل مردم یکصدای برخاست و سرنگونی رژیم فاسد، ضد ملی و استبدادی شاهرا طلبید، همچنان با قوت تمام طنین دارد، هرچند دیوار قطور تانکها و سرتیژه‌ها، باز تاب آنرا در جهان تضعیف کند.

شاه در این پندارواهی است که می‌تواند با دعوی ایوژیون در اکثریت قریب با تفاق خود برای تحقق این امر مبارزه میکند. لذا باید هرگونه انگیزه خفنی را کنار گذارند و با تأمین اتحاد همه سازمانها و نیروهای شرکت کننده در جنبش بر پایه برنامه مشترک توافق شده و بویژه با ایجاد رهبری مشترک و واحد و استفاده از نیروهای موجود و جلب نیروهای خیره به عرصه بیکار، خواست عمده مردم، یعنی برانداختن سلطنت استبدادی محمد رضا شاه و برقراری حکومت ملی و آزادیخواه را تحقق بخشند.

صفر قهرمانی کهن ترین زندانی سیاسی ...

من ۳۰ سال پیش پس از پنج سال فعالیت و مبارزه در میان دمکراتهای آذربایجان که شکست‌ها و بی‌روزگاری‌ها در داشت مستگیر شدم و به زندان افتادم. مبارزه من بر علیه حکومت فئودالها بود؛ ولی با آنکه این را میدانستند به حساب آمد محکوم کردند. سال پنجاه و پنج یکبار مرا با ۶۰ نفری نوشتن تقاضای عفو به زندان اوین بردند. من به این خواست تن در ندادم و بخاطر همین تن ندادن مدت‌ها در بدترین شرایط در زندان اوین ماندم. زندانبان گفت: «تقدر اینجا میمانی تا بیوسی. من خندیدم و گفتم: «من پوسیدنی نیستم» مردم پشت دیوارهای زنداندن اعتراضهای پتایی من به زندانبان هاباحت شد تا به سول سبز در زندان اوین تبعید شوم. و این زندانی است که هرآن هرگز نمیتوان شب و روز را تشخیص داد. هوایش را با پمپ عوض میکنند. منشا در این زندان بودم و توجه داشته باشید که این ماجرا فقط مربوط است به سال ۵۵. از گذشته‌های تلخ و پر مشقت نمی‌خواهم چیزی بگویم. در باره زندان مشغول بپروازان که ۱۵ سال زندگی مرا بلعید، نمی‌خواهم هنوز حرفی بزنم.

سالها بدون ملاقات بوده‌ام. اگر شهر را نمیشناسم، اگر هیچ خیابانی را بلد نیستم، و اگر هر لحظه تمام وجودم هوای کسانی را دارد که هنوز باقریبانی کردن چند تن از دستیاران خود، سلطنت محضرترا حیات تازه بخشد. اما این اشتباه فاحشی است: صرف نظر از آنکه مردم از شاه فاسد دعوی مبارزه با فساد را به‌چهری نمیدانند و آنرا جلی نمی‌گیرند، خواست جنبش گسترده مردم علیه رژیم منحل و استبدادی شاه تنها در مسئله مبارزه با فساد خلاصه نمیشود. خواست اصلی جنبش ضد دیکتاتوری سرنگونی رژیم ضد ملی و استبدادی شاه است تا کانون اصلی فساد زیر و زبر شود و آن شرایط مناسبی که برای پرورش و رواج فساد و دزدی و تباهی در حمایت رژیم استبدادی بوجود آمده است، از میان برود.

تظاهرات و اعتراضهای وسیع ماههای اخیر پرورش یافته نشان داده است که مردم آزادیهای اساسی خود را طلب میکنند. خواست رهایی قوی کلیه زندانیان سیاسی بدون هیچ قید و شرط، لغو حکومت نظامی، برچیدن بساط ساواک، آزادی احزاب و اجتماعات، اخراج مستشاران نظامی، لغو قرار داد خائنانه نفت وغیره وغیره هستند. مردم تشکیل یک دولت ائتلاف ملی را طلب میکنند که ضمانت تحقق خواستهای آنان در زمینه آزادی و استقلال ملی باشد.

پیام متضرع آمیز شاه با کلمات میلان تھی دو گند میخورد، «تضمین میکنم» کسی را نخواهد فریقت. مبارزه مردم تا بیروزی کامل خواستهای جنبش ادامه خواهد یافت.

مینو

برای من درک حکام زبیبی

هنوز امکان پذیر نیست. در روزنامه‌ها می‌تواند سانسور نیست. شما را بخون همه شهدای راه قسم میدهم که این پیام مرا خطاب به مردم! بنویسید.

ما برای تحقق بخشیدن به خواست مردم که از زندان بیرون آمدیم غوغا برای من فکر میکنم برای همه آنها که آزاد شده‌اند آرزوی ما را باید ملت ما را آزاد کرد. ملت بقیه زنا سیاسی را هم آزاد خواهد کرد. ما به این نیرو داشتیم و همچنان داریم. حتی در هولناک ترین که دوستانمان را برای شکنجه می‌بردند و ما فقط و نعره آرا می‌شنیدیم، امید به مردم را هرگز از ندادیم.

سینه من دختر است که با مرکب خون خاطرات ۳۰ سال اخیر را در آن نوشته‌اند. شما می‌توانید چه آرزوی دارم؟ من به صراحت میت خواست من آزادی تمام احزاب است و آزادی زندانیان سیاسی.

دولتی‌ها و امنیتی‌ها می‌گویند چریکها در زندان بمانند. من امروز بر همان دفتر ک سینه دارم می‌گویم کسی به نام چریک که اتهام را همراه داشته باشد زنده نیست که در زندان از سیاستهای اخیر دولت از من می‌پرسید بسیار بدبینم. تقصیری هم ندارم. من متعلقم حک ایران از اتحاد مردم بیش از هر چیز بیدم دستگیری به آذین که خبر آنرا در آخرین زندان ۳۰ ساله ام شنیدم، دلیل من است.